

بررسی جامعه‌شناختی رابطه پایگاه اقتصادی و مذهب با فرهنگ سیاسی در چارچوب مفهومی مارک تسلر

مجتبی فتحی زاده^۱، عبدالرضا هاشمی^۲، احمدعلی حسینی^۳

چکیده

فرهنگ سیاسی در جوامع معاصر، وبه ویژه در جامعه در حال گذار ایران، نقشی محوری در توسعه و مشارکت سیاسی ومدنی دارد. در این میان، نقش دانشجویان دانشگاه فرهنگیان که در حقیقت معلمین آینده جامعه می باشند در تکوین وتحکیم فرهنگ سیاسی دموکراتیک، بسیار اثر گذارند. پژوهش حاضر، در چارچوب دستگاه مفهومی مارک تسلر، به مطالعه بررسی جامعه‌شناختی رابطه پایگاه اقتصادی ومذهب با فرهنگ سیاسی دانشجویان می پردازد. پژوهش به روش پیمایشی وبا استفاده از پرسشنامه، در مورد ۳۶۲ نفر از دانشجویان دانشگاه های فرهنگیان غرب کشور (ایلام، کرمانشاه، سنندج، خرم آباد، همدان) انجام گرفته است که باروش نمونه گیری تصادفی طبقه ای انتخاب شده اند. نتایج تحقیق نشان داد که اکثریت دانشجویانی که دارای مذهب سنی بودند به فرهنگ سیاسی بی تفاوت ۱۶/۶ درصد، و اکثریت دانشجویانی که دارای مذهب شیعه بودند به دوفرهنگ سیاسی بی تفاوت ۴۰/۹ درصد و دموکراتیک ۳۲/۶ درصد، گرایش داشتند. وهمچنین اکثریت دانشجویانی که دارای پایگاه اقتصادی پایین بودند به فرهنگ سیاسی بی تفاوت، و اکثریت دانشجویانی که دارای پایگاه اقتصادی بالا بودند به فرهنگ سیاسی دموکراتیک، گرایش داشتند. بنابراین یافته نشان داد که فرهنگ سیاسی دانشجویان، با متغیرهای پایگاه اقتصادی ومذهب رابطه مثبت ومعناداری دارد.

واژگان کلیدی: پایگاه اقتصادی، مذهب، فرهنگ سیاسی بی تفاوت، دموکراتیک، محدود، عملگرا.

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۱۰/۱۵ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۵/۱۳

^۱ دانشجوی دکتری گروه جامعه شناسی سیاسی، واحد شوشتر، دانشگاه آزاد اسلامی، شوشتر، ایران.

^۲ استادیار گروه جامعه شناسی سیاسی، واحد شوشتر، دانشگاه آزاد اسلامی، شوشتر، ایران. (نویسنده مسئول)

abdorezahashi@yahoo.com

^۳ استادیار گروه جامعه شناسی سیاسی، واحد شوشتر، دانشگاه آزاد اسلامی، شوشتر، ایران.

مقدمه

فرهنگ را می‌توان مهم‌ترین عرصه ظهور و بروز ماندگاری روابط انسانی دانست. بحث ورود به فرهنگ و مقولات مرتبط با آن در سیاست، نقطه آغاز مباحث مربوط به فرهنگ سیاسی است. به عبارتی، فرهنگ سیاسی به معنای نحوه اثرگذاری متقابل فرهنگ و سیاست است. از این منظر و به بیانی ساده می‌توان فرهنگ سیاسی را تمایلات شهروندان نسبت به عناصر و مولفه‌های سیاسی دانست. فرهنگ سیاسی یکی از شاخص‌های اساسی توسعه جوامع در دوران جدید است که با ابعاد توسعه ارتباط دارد، به گونه‌ای که عاملی در تبیین وضعیت توسعه یافتگی جوامع مختلف به شمار می‌رود. فرهنگ سیاسی که عامل اساسی در تعیین ماهیت ساختار سیاسی و رفتار سیاسی است، خود نیز تحت تاثیر ساختار سیاسی و عوامل اجتماعی، اقتصادی و تاریخی جامعه شکل می‌گیرد. از این رو می‌بایست نوع فرهنگ سیاسی هر جامعه و ویژگی‌های آن در ارتباط با اجزا و بخش‌های دیگر جامعه مطالعه و بررسی شود. بر این اساس می‌توان گفت شناخت الگوی فرهنگ سیاسی و ویژگی‌ها و عوامل موثر بر آن روشنگر ماهیت بسیاری از تحولات سیاسی و رفتارهای سیاسی کنشگران است. تلاش برای استقرار نهادهای دموکراتیک و توسعه سیاسی بدون شناخت و توجه به فرهنگ سیاسی راه به جایی نخواهد برد. برخی از انواع فرهنگ سیاسی، مسیر توسعه سیاسی را هموار کرده و زمینه را برای شکل‌گیری جامعه دموکراتیک مهیا می‌سازند و برعکس انواع دیگری از فرهنگ‌های سیاسی چوب‌لای چرخ توسعه سیاسی گذاشته و زمینه ساز شکل‌گیری نظام‌های سیاسی بسته و حاکمیت‌های استبدادی می‌شوند. (گل محمدی، ۱۳۹۴: ۱۳۱).

امروزه از مقوله فرهنگ به عنوان مجموعه‌ای کیفی شامل ارزش‌ها، فرآورده‌های هنری، مذهبی، فلسفی، تجلیات فکری و ذوقی و عاطفی یاد می‌کنند که ضامن جوامع انسانی و حیات بشری است. از همین رو می‌توان اذعان داشت فرهنگ سیاسی نیز مجموعه‌ای از نگرش‌ها و ارزش‌هایی است که به فرآیند و زندگی سیاسی شکل می‌بخشد (پهلوان، ۱۳۸۲: ۳). فرهنگ سیاسی^۱ در دوران مدرن، پدیده‌ناگزیر زندگی اجتماعی است و نفوذی انکارناپذیر بر رفتار سیاسی اعضاء جامعه دارد، یکی از ارکان و شاخص‌های عمده رشد و توسعه جامعه به شمار می‌رود. در این زمینه باور به سلسله مراتب سیاسی با برابری سیاسی،

1. political culture

۱۷۵.....بررسی جامعه‌شناختی رابطه پایگاه اقتصادی و مذهب با فرهنگ سیاسی در

اعتماد و بی‌اعتمادی، بدبینی و خوش‌بینی، احساس امنیت یا ناامنی، گرایش به وفاداری ملی یا قومی و ... از جمله مواردی است که با فرهنگ سیاسی و به تبع آن با الگوهای توسعه جامعه رابطه مستقیمی دارد (آلموند و وریا، ۱۹۶۵: ۸۶). بسیاری از صاحب‌نظران و پژوهشگران حوزه فرهنگ سیاسی، نقش نخبگان و طبقه متوسط شهری را در تکوین و پویایی فرهنگ سیاسی دموکراتیک موثر قلمداد کرده‌اند (لیپست، ۱۳۸۳: ۱۷۱). برای اساس بررسی فرهنگ سیاسی دانشجویان دانشگاه فرهنگیان غرب کشور که در حقیقت معلمین فردای جامعه هستند، به عنوان بخشی از قشر متوسط جامعه اهمیت ویژه‌ای دارد. معلمان، واسط میان گذشته و آینده‌اند و نقشی مابین بافت کردن و سلول‌های جوان جامعه دارند. آنان به عنوان بخشی از طبقه متوسط و نخبه جامعه، در تحولات فرهنگی و سیاسی سهیم‌اند و از طریق بر ساخت الگو، بر فضای فرهنگی و سیاسی جامعه تأثیرات وسیعی می‌گذارند.

معلمان با جامعه پیوندی ناگسستنی دارند و نگرش آن‌ها، یکی از مجراهای مهم فرهنگ سیاسی است. نگرش‌ها و ایستارهای معلمان، ضمن اینکه ممکن است بازتاب فرهنگ سیاسی بخشی از جامعه باشد، به احتمال زیاد با عناصر موجود در فرهنگ جامعه پیوند تنگاتنگ دارد. معلمان به عنوان کارگزاران اصلی آموزش و پرورش، در کنار برنامه‌های آموزشی، از طریق القای فرایند جامعه‌پذیری سیاسی به دانش‌آموزان، عامل اصلی تولید و بازتولید فرهنگ سیاسی هستند و به دلیل اینکه با جهت‌گیری‌های سیاسی بر فرهنگ سیاسی دانش‌آموزان اثر می‌گذارند و از طرف دیگر توجه به فرهنگ سیاسی این قشر از دانشجویان، از جنبه‌های دیگری نیز حائز اهمیت است. بسیاری از اندیشمندان علوم سیاسی، برای تحقق دموکراسی، داشتن یک فرهنگ سیاسی متناظر با آن را الزامی می‌دانند (قادرزاده و همکاران، ۱۳۹۶: ۲۳۱). تکوین و تحکیم دموکراسی، مستلزم آن است که مجموعه ارزش‌ها و گرایش‌ها دموکراتیک به نسل‌های جامعه منتقل شود (علمی، ۱۳۸۸: ۵۸).

گسترده وسیع جغرافیایی و تاریخ چندین هزار ساله ایران، گونه‌های مختلفی از ملیت‌ها و قومیت‌های متفاوت را در برمی‌گیرد که با وجود تجربه‌های زیستی تاریخی مشترک در بسیاری زمینه‌ها، حامل تمایزها

۱۷۶... پژوهش‌های جامعه‌شناختی، سال پانزدهم، شماره دوم، تابستان ۱۴۰۰

و تفاوت‌های معناداری در حوزه‌های جغرافیایی، گذارهای تاریخی، تعلق‌های فرهنگی و رفتارهای سیاسی بوده‌اند و به رغم زیستن در یک مرز جغرافیایی و نظام سیاسی مشترک، همواره رفتار سیاسی مشترکی از خود نشان نداده‌اند. علاوه بر این شواهد تاریخی حاکی از ضعف‌ها و ناتوانی‌های اجتماعی و سیاسی در استقرار نهادهای مدنی و دموکراتیک و پیشبرد توسعه سیاسی در دوران جدید است. بنابراین فرهنگ سیاسی اگرچه عنصری حیاتی برای گذار به دموکراسی در کشورهای غیردموکراتیک و تحکیم آن در کشورهای دموکراتیک است، اما تردیدی نیست که خود از ریشه‌ها و مبناهای متفاوتی سرچشمه گرفته، تقویت و تضعیف می‌شود.

پایگاه اقتصادی و مذهب از جمله عواملی هستند که توسط اندیشمندان مختلف به عنوان مبنای تغییر در فرهنگ سیاسی ذکر شده‌اند. از آنجا که، ایران از جوامع چند فرهنگی است و دارای شکافهای مبتنی بر مذهب (شیعه، سنی) می‌باشد و نیز با توجه به توسعه نیافتگی استانهای غربی همدان، کردستان، کرمانشاه، لرستان، ایلام) نسبت به استانهای مرکز و همچنین شرایط کنونی (تورم، تحریم) کشور، اکثر مردم آن مناطق دارای پایگاه اقتصادی پایین و یا متوسط رو به پایین هستند. اهمیت بررسی فرهنگ سیاسی در این مناطق را دوچندان می‌کند. بنابراین این پژوهش به بررسی رابطه دو متغیر مهم مذهب و پایگاه اقتصادی با فرهنگ سیاسی دانشجویان دانشگاه‌های فرهنگیان غرب کشور پرداخته است. حاتمی و همکاران در پژوهشی (۱۳۹۱) به بررسی عوامل موثر بر فرهنگ سیاسی دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی واحد پارس آباد پرداخت، مفروضات پژوهش حاکی از آن است که متغیرهای همچون قوم‌گرایی، مذهب‌گرایی، انگیزه سیاسی و شخصیت و پایگاه اجتماعی و اقتصادی رابطه معنی‌داری با فرهنگ سیاسی دارند.

کریمی و همکاران نیز در پژوهشی (۱۳۸۵) به بررسی فرهنگ سیاسی مردم مازندران و با الهام از نظریه آلموند و پاول پرداخت، یافته‌های تحقیق نشان داد که فرهنگ سیاسی تبعی در مازندران بر دو نوع دیگر آن، یعنی مشارکتی و محدود غلبه دارد. در تقسیم‌بندی دیگری از فرهنگ سیاسی که با توجه به دیدگاه‌ها و ایستارهای مردم در مورد مبانی مشروعیت نظام سیاسی و نیز گرایش آنها به روش‌های مشروع و مسالمت‌آمیز یا ارجحیت روش‌ها نا مشروع و غیرقانونی، یافته‌ها حاکی از آن است که فرهنگ سیاسی مردم

مازندران گرایش بیشتری به فرهنگ سیاسی وفاق‌گرا در برابر فرهنگ سیاسی منازعه‌گرا را نشان می‌دهد. نتایج مطالعات کتابی و همکاران (۱۳۸۰) نشان داده‌اند که دانشجویانی که در ایران شاغل به تحصیل هستند از لحاظ فرهنگ سیاسی در سه گونه مشارکت‌جویانه پس‌رونده، میانه‌روها و مشارکت‌کنندگان پیش‌رونده تقسیم‌بندی می‌شوند. دسته اول، کسانی هستند که اموری مثل آزادی‌نشر برایشان بسیار با ارزش است و اعتمادشان نسبت به مسئولان سیاسی نظام در سطح بسیار پایینی قرار دارد و در مجموع، نظام سیاسی را برای پاسخگویی به تقاضاهایشان بی‌علاقه می‌بینند. دسته دوم، اعتمادشان نسبت به مسئولان نظام سیاسی بنیابین است یعنی نه بشدت بی‌اعتماد هستند و نه به طور کامل اعتماد دارند. سطح تقاضاهای احتمالی این گروه از نظام سیاسی، با سطح پاسخگویی که در توان یا تمایل نظام سیاسی است، تفاوت چندانی ندارد. در واقع میانه‌روها، نه به طور کامل مشارکت‌جویند و نه به طور کامل منزوی هستند. دسته سوم کسانی هستند که آنها را مشارکت‌کنندگان پیش‌رونده می‌نامند، غالباً نظام سیاسی را در پاسخگویی به تقاضاهایشان توانا و متمایل ارزیابی می‌کنند این دسته نسبت به مسئولان نظام اعتماد دارند و دارای احساسات مثبتی مانند سربلند، پیروزی و افتخار نسبت به نظام سیاسی‌شان دارند.

آلموند و وربا (۱۹۶۵) در کتاب فرهنگ مدنی خود ۵ کشور، امریکا، انگلستان، آلمان، مکزیک و ایتالیا، را مورد مطالعه قرار دادند؛ این دو اندیشمند با توجه به نوع جهت‌گیری افراد به سوی نظام سیاسی به تقسیم‌بندی فرهنگ سیاسی آن‌ها پرداخته و ویژگی‌های آن‌ها را مشخص کرده‌است. آن‌ها نشان داده‌اند که در انگلستان و امریکا بین جهت‌گیری‌های مشارکتی و تابعیت، تعادل برقرار است در میان ایتالیایی‌ها بیگانگی گسترده‌ای به چشم می‌خورد. در مکزیک، شهروندان غالباً از نهادها و خط‌مشی‌های دولت، بیگانه هستند ولی به علت نماد احساسی انقلاب مکزیک، وفاداری به نظام وجود دارد. آلمانی‌ها بیشتر مایل به تبعیت از خارجیها و سیاستگذاری‌های دولت بودند و از نظر این محققین ترکیبی از سه نوع فرهنگ مشارکتی، منفعل و محلی محسوب می‌شوند.

۱۷۸... پژوهش‌های جامعه‌شناختی، سال پانزدهم، شماره دوم، تابستان ۱۴۰۰

نتایج تحقیق کیربیش^۱ (۲۰۱۳) بیانگر این موضوع بود که براساس نظریه اینگلههارت استدلال می‌کند که مردم در کشورهایی که به لحاظ اقتصادی-اجتماعی، توسعه یافته‌ترند از نظر سیاسی نیز فعال‌ترند و افرادی که گرایش‌های غیردموکراتیک دارند از نظر سیاسی نیز کمتر فعال‌اند، نتایج تحقیق نشان می‌دهد شهروندان و زنان در کشورهای پسا کمونیست، که فرهنگ سیاسی محدودتری دارند، از لحاظ سیاسی کمتر فعالند و در مقایسه با هم‌تاهای غربی خود در فرایندهای سیاسی کمتر مشارکت می‌کنند.

تسلر^۲ (۱۳۸۲) در پژوهشی تحت عنوان اسلام و دموکراسی در خاورمیانه، تاثیر جهت‌گیری مذهبی در گرایش به سمت دموکراسی در چهار کشور عربی (فلسطین، مراکش، الجزیره و مصر) مورد بررسی قرار می‌دهد این نظرسنجی بین سالهای ۱۹۸۸ تا ۱۹۹۶ صورت گرفته است، جدول مصاحبه که حاوی پرسشهایی درباره نحوه حکمرانی، دموکراسی و همچنین مفاهیم و کنش‌های مرتبط با اسلام است، طوری طراحی شده‌اند که طیف وسیع و نمایانگری از افراد بزرگسال را در این چهار کشور در برمی‌گیرد. براساس یافته‌های تحقیق، چنین به نظر می‌آید که اسلام در طرز تلقی‌های سیاسی افراد نفوذ دارد و اینکه حمایت و پشتیبانی از دموکراسی ضرورتاً در میان افرادی که شدیدترین دل‌بستگی‌های اسلامی دارند کمتر نیست. برعکس، کسانی را تایید می‌کند که تز، اسلام مانع ظهور گرایش‌های سیاسی هادی دموکراسی است را به چالش می‌کشند. و نیز اینکه زنان مسلمان تا اندازه‌ای احتمالاً از مردان در خصوص امور سیاسی از مذهب راهنمایی می‌گیرند. نتایج به دست آمده حاکی از آن است که حمایت و پشتیبانی از اسلام سیاسی مستلزم انکار دموکراسی نیست بنابراین حداقل در نزد افکار عمومی، ناسازگاری ضروری بین دموکراسی و حکومت اسلامی وجود ندارد.

یافته‌ها نشان می‌دهد که به احتمال زیاد زنان از وضع کنونی اجتماعی اقتصادی ناراضی و ناخشنود هستند و از این رو طرفدار سیاست‌هایی هستند که به وسیله ارزش‌هایی که آنها را به اسلام پیوند می‌دهند، نظیر (عدالت، مساوات، رفاه اجتماعی و حمایت از ضعیفان) هدایت می‌شوند.

1. Kirbis

2. tessler

فرضیات پژوهش عبارتند از :

به نظرمی رسد بین فرهنگ سیاسی دانشجویان دانشگاه فرهنگیان غرب کشور با پایگاه اقتصادی آنان رابطه وجود دارد.

به نظرمی رسد بین فرهنگ سیاسی دانشجویان دانشگاه فرهنگیان غرب کشور با مذهب آنان رابطه وجود دارد.

در دیدگاه اینگلهارت فرهنگ سیاسی طیفی است که در یک جهت، اقتدارگرایی و در جهت دیگر، دموکراتیک را شامل می‌شود. جایگاه هر کشور در این طیف به میزان برخورداری از شاخص‌های اقتدارگرایی یا دموکراتیک‌گرایی، متغیر خواهد بود. در این نظریه، هر یک از ابعاد فرهنگ سیاسی با دو شاخص سنجیده می‌شود: فرهنگ سیاسی دموکراتیک دارای دو شاخص، ارزش‌های عقلانی و ارزش‌های ابزار وجود، و فرهنگ سیاسی اقتدارگر دارای دو شاخص، ارزش‌های سنتی و ارزش‌های بقاست (اینگلهارت و ویزل، ۱۳۸۹: ۱۶). هر یک از مجموعه ارزش‌های فرهنگ سیاسی دموکراتیک در تقابل با مجموعه ارزش‌های فرهنگ سیاسی اقتدارگر قرار می‌گیرد؛ بنابراین لازمه دموکراسی پایدار دگرگونی در دو مجموعه ارزش‌های فرهنگ سیاسی است: الف- ارزش‌های سنتی در مقابل ارزش‌های عقلانی: دگرگونی از ارزش‌های سنتی به ارزش‌های عقلانی با دگرگونی از جامعه روستایی به جامعه صنعتی مرتبط است. ب- ارزش‌های بقا در مقابل ارزش‌های ابزار وجود: دگرگونی از ارزش‌های بقا به ارزش‌های ابزار وجود با رشد جامعه فراصنعتی مرتبط می‌شود. (اینگلهارت و ویزل، ۱۳۸۹: ۲۲).

وی برای توصیف تمایزات فرهنگ سیاسی جوامع، ویژگی‌های خاصی را معرفی می‌کند، از جمله حس اعتماد سیاسی (فرد- نهادی) که زمینه فعالیت سیاسی را مهیا می‌کند. میزان سطح رضایت سیاسی^۱ شاخص دیگری است که او به عنوان یکی از ویژگی‌های فرهنگ سیاسی نام می‌برد و نیز معرف‌هایی همچون میزان علاقه به سیاست، میزان مهارت سیاسی و میزان گستردگی بحث‌های سیاسی بین افراد جامعه، آزادی بیان و عقاید، میزان دخالت مردم در سیاست، احترام به اندیشه‌های دیگران در حوزه

۱۸۰... پژوهش‌های جامعه‌شناختی، سال پانزدهم، شماره دوم، تابستان ۱۴۰۰

سیاست، اعتماد سیاسی، تفاوت‌ها و تمایزات فرهنگ سیاسی جوامع را به تصویر می‌کشد (اینگلهارت، ۱۳۷۳: ۲۴). اینگلهارت در مورد متغیرهای اجتماعی-اقتصادی، نقش دین و مذهب را در شکل‌گیری فرهنگ سیاسی جوامع بسیار اساسی می‌داند، اینگلهارت متغیرهای ملیت و شغل را هم عوامل تعیین‌کننده نوع فرهنگ سیاسی نام می‌برد به عقیده او منزلت شغلی و وضعیت اشتغال افراد بر نوع فرهنگ سیاسی آنها موثر می‌باشد (اینگلهارت، ۱۳۷۳: ۲۴-۱۵).

اماد دیدگاه آلموند و وربا، فرهنگ سیاسی عبارت است از یک توزیع خاص از مواضع سیاسی، ارزش‌ها، احساسات، اطلاعات و مهارت‌ها، به همان روشی که نگرش‌های افراد بر آنچه انجام می‌دهند تاثیر می‌گذارد، فرهنگ سیاسی یک ملت، بر رفتار شهروندان و رهبر آن، در سراسر نظام سیاسی تاثیر می‌گذارد. این سه مقوله با نظام سیاسی در تعامل است و این تعامل منجر به شکل‌گیری فرهنگ سیاسی در هر کشور می‌شود. آلموند و وربا در اثر معروف خود «فرهنگ مدنی» منظور از فرهنگ سیاسی را اینگونه بیان می‌کنند «زمانی که ما از فرهنگ سیاسی یک جامعه صحبت می‌کنیم به نظام سیاسی، آنچنان که در شناخت احساسات و ارزشیابی افراد آن نظام درونی شده‌اند، برمی‌گردیم (آلموند و وربا، ۱۹۶۳: ۱۳) پس شناخت، احساسات و ارزشیابی افراد در ارتباط با ساختار سیاسی، هسته اصلی مفهوم فرهنگ سیاسی را تشکیل می‌دهند. بنابراین به عقیده آن‌ها سه نوع جهت‌گیری «شناختی»، «احساسی» و «ارزیابانه» نسبت به چهار جنبه «نظام به عنوان یک کل»، «درون داده‌ها»، «برون داده‌ها» و «خود به عنوان یک بازیگر سیاسی» است که از این طریق می‌توان به الگوهای فرهنگ سیاسی جوامع دست یافت.

آلموند و وربا بر این اساس الگوهایی از فرهنگ سیاسی معرفی می‌کنند که عبارت از: ۱- فرهنگ سیاسی محدود^۱ ۲- فرهنگ سیاسی تبعی^۲ ۳- فرهنگ سیاسی مشارکتی^۳. آلموند و وربا ضمن پذیرش تاثیر نظام

-
1. The Parocnial political Culture
 2. The Subject political Culture
 3. The Participan political Cultur

۱۸۱ بررسی جامعه‌شناختی رابطه پایگاه اقتصادی و مذهب با فرهنگ سیاسی در

سیاسی برفرهنک سیاسی بیان می‌کنند بدون رد اهمیت نظام سیاسی به عنوان منبع جهت‌گیری‌های فردی نسبت به نظام سیاسی، به جستجوی تعدادی از منابع غیرسیاسی (اجتماعی) که روی حاکمیت تاثیر دارند می‌پردازند. پس در این رابطه از نقش جنسیت، میزان تحصیلات، مذهب، مشارکت در نهادهای مدنی، قومیت و طبقات اجتماعی نام می‌برند و آنها را تاثیرگذار بر نوع فرهنگ سیاسی بر می‌شمارند (آلموند و پاول، ۱۳۷۵: ۳۶۹). آلموند بعدها در اثری مشترک با بینگهام پاول دیدگاه خود را به شیوه دیگری بیان کرده او در آنجا می‌نویسد «یکی از راه‌های ترسیم نقشه فرهنگ سیاسی یک ملت، تشریح ایستارهایی است که شهروندان در قبال سه سطح نظام سیاسی، یعنی نظام، فرایند و سیاست‌گذاری دارند (آلموند و پاول، ۱۳۷۵: ۳۶۹).

او در آنجا از دو الگوی دیگر فرهنگ سیاسی و خلق گرا و منازعه‌گرا نام می‌برد. در یک فرهنگ سیاسی و خلق گرا، شهروندان معمولاً درباره شیوه‌های مناسب تصمیم‌گیری سیاسی و اینکه مسائل اصلی جامعه چیست و چگونه باید آنها را طی کرد هم نظرند. برعکس، در فرهنگ سیاسی منازعه‌گرا، شهروندان از لحاظ نظراتی که درباره مشروعیت رژیم و راه حل مشکلات اصلی دارند به شدت دچار چند دستگی هستند (آلموند و پاول، ۱۳۷۵: ۲۷). آلموند و پاول معتقدند صنعتی شدن نوسازی و ظهور رسانه‌های ارتباطی نیز تغییرات مشابهی در فرهنگ سیاسی کشورهای مختلف بوجود آورده است (آلموند و پاول، ۱۳۷۵: ۲۷). جان فورن نیز در تبیین تاثیر فرهنگ بر فرایندهای انقلابی، از مفهوم فرهنگ سیاسی استفاده می‌کند. وی در تعریف این واژه بیان می‌کند: منظور من از فرهنگ سیاسی راه و روشهای چندصدایی و بالقوه رادیکال درک شرایط جامعه است که در برخی زمانها، گروههای متعددی در جامعه آنها را برگزیده و به توصیف و فهم تحولات سیاسی - اقتصادی می‌پردازند که زندگی آنها را در برگرفته است (فورن، الف، ۱۳۸۴: ۲۷۳).

وی اضافه می‌کند برای اینکه بعد آرمانی کارگزاران انسانی در جامعه تحقق یابد، باید فرهنگ سیاسی مخالف و مقاومت تبلور پیدا کند. این فرهنگ‌های سیاسی مخالف می‌توانند از منابع گوناگونی ریشه مانند ایدئولوژی‌ها، سنتهای فرهنگ مردمی، گویش عوام، اندیشه‌ها، احساسات ملی‌گرای، سوسیالیسم،

۱۸۲... پژوهش‌های جامعه‌شناختی، سال پانزدهم، شماره دوم، تابستان ۱۴۰۰

دموکراسی، مذهب گیرند. (فورن، ب، ۱۳۸۴: ۳۰۱). وی نقش طبقات اجتماعی، جنسیت و نژاد را نیز در شکل‌گیری این نوع فرهنگ سیاسی اساسی می‌داند (فورن، الف، ۱۳۸۴: ۲۷۳). نظریه‌های اقتصادی گذار به دموکراسی، که شامل نظریه‌های روستو و لیپست است. روستو گذار از جامعه سنتی به جامعه صنعتی را طی چند مرحله می‌بیند: ۱- جامعه سنتی ۲- تحقق اوضاع قبل از جهش اقتصادی ۳- جهش اقتصادی ۴- میل و خیزه سوی کمال ۵- مصرف انبوه. (مولانا، ۱۳۷۱: ۲۳). در اندیشه روستو، نوسازی فرایندی خطی دارد و در این مراحل، مرحله سوم، یعنی مرحله خیز، مهم‌ترین مرحله است. (از کیا، ۱۳۷۷: ۱۱۸).

لیپست نیز ایجاد دموکراسی را معلول توسعه اقتصادی می‌داند. با توجه به اینکه این الگوه اوایل دهه ۱۹۹۰ مربوط است، همبستگی متغیرها ممکن است تغییر کرده باشد (لیپست و لاکین، ۲۰۰۴: ۳۸۵). همچنین، الگوی لیپست، بر اساس داده‌های گردآوری شده در دموکراسی‌های غربی و با توجه به ساختار سیاسی-اجتماعی آن کشورها تنظیم شده، اما به نظر می‌رسد عوامل اجتماعی که او برمی‌شمارد، برای کشورهای دیگر نیز قابل اعمال باشد. لیپست به یکسان بودن الگوهای مشارکت سیاسی در کشورهای نظیر المان، سوئد، آمریکا، فنلاند و نروژ اعتقاد دارد، بدین صورت که مردم بیش از زنان، آموزش دیده‌ها بیش از بی‌سوادها، شهرنشینان بیش از روستائیان، ۳۵-۵۵ سالها بیش از جوانان و پیران، متاهل‌ها بیش از مجردها، افراد دارای منزلت بالا بیش از افراد دارای منزلت پایین و اعضای سازمان‌ها بیش از غیر عضوها در فرایند مشارکت سیاسی فعال هستند. (لیپست، ۱۹۶۰: ۱۸۴).

به عقیده لاول دیتمر آنچه به عنوان فرهنگ سیاسی تلقی می‌شود در واقع نگرش نسبت به نمادهای سیاسی است. این نمادها از یک سو مشروعیت دهنده به نظام سیاسی هستند و از سوی دیگر در خدمت منافع نخبگان و موقعیت‌شان می‌باشند (قیصری، شکوری، ۱۳۸۱: ۴۱). لاول دیتمر معتقد است نخبگان سیاسی نمادهای سیاسی را دستکاری می‌کنند در حالیکه توده‌ها آن‌ها را تفسیر می‌کنند و بر اساس این تفسیر با آن همراهی یا مخالفت می‌کنند (دیتمر، ۱۹۷۷: ۵۵۱). در این رهیافت، اسطوره‌ها نیز به مثابه نمادها بر رفتار سیاسی اثر می‌گذارند. اسطوره‌ها در نقش حافظ سنت‌ها و مناسک و جامعه‌پذیری جوانان نقش آفرینی می‌کنند (قیصری و شکوری، ۱۳۸۰: ۴۱). تغییر فرهنگ سیاسی در این رهیافت با تاکید بر تغییرپذیری

۱۸۳ بررسی جامعه شناختی رابطه پایگاه اقتصادی و مذهب با فرهنگ سیاسی در

نمادها مورد تبیین قرار می‌گیرد (دیتمر، ۱۹۷۷: ۵۵۷)؛ پس دستکاری در ارائه تفسیرهای جدید از نمادها توسط نخبگان که به ایجاد الگوهای رفتار سیاسی جدید می‌انجامد، تغییر فرهنگ سیاسی را به همراه دارد. بنابراین در این نظریه تحول فرهنگ سیاسی پیش از آنکه نتیجه عوامل اقتصادی و اجتماعی باشد ناشی از عملکرد نخبگان سیاسی است که نشانگر اهمیت نخبگان سیاسی و نقش‌های آنان است (قیصری، شکوری، ۱۳۸۱: ۴۲).

به عقیده دانیل الازار فرهنگ سیاسی الگوی ویژه‌ای از جهت‌گیری به کنش سیاسی است که در هر نظام سیاسی نهادینه شده است. وی، جهت‌گیری افراد و نظام سیاسی، چگونگی عملکرد دولت و مقامات حکومتی و ارزش‌های مذهبی و قومی را در شکل‌گیری فرهنگ سیاسی موثر می‌داند. او از سه نوع فرهنگ خاص در کشور ایالت متحده امریکا نام می‌برد که هر یک در منطقه خاصی از یک کشور رایج می‌باشد که عبارتند از: ۱- فرهنگ سیاسی اخلاق‌گرا^۱، که گرایش به بهبود رفاه عمومی با مشارکت دست بالای مردم دارد. ۲- فرهنگ سیاسی فردگرا^۲، که در آن مردم نسبت به دولت و نخبگان سیاسی و فعالیت‌های آن‌ها بدبین بوده و تمایل زیادی به مشارکت سیاسی ندارند. ۳- فرهنگ سیاسی سنتی^۳، که در آن اعتماد زیادی به نظام سیاسی و نخبگان سیاسی وجود دارد و امور سیاسی به نخبگان واگذار می‌شود. (هندرسون، ۲۰۰۷: ۱۲۸).

همچنین هانتینگتون عقیده دارد که توسعه اقتصادی و اجتماعی می‌تواند از دو کانال تحرک اجتماعی و مجرای سازمانی به رشد سیاسی بیانجامد به این معنی که کسب منزلت بالاتر اجتماعی به نوبه خود در افراد احساس توانایی و نگرش‌های معطوف به تاثیرگذاری بر تصمیمات عمومی را ایجاد کند (رضایی، ۱۳۷۵: ۵۵). بنابراین توسعه اقتصادی باعث منزلت اجتماعی بالاتر و احساس توانمندی و تاثیر سیاسی می‌شود، هانتینگتون با تاکید بر نظریه دیویس تحت عنوان منحنی [در باره توقعات فزاینده، معتقد است که شهرنشینی، سواد، آموزش و وسایل ارتباط جمعی، همگی در آشنا ساختن انسان سنتی با صورتهای

-
1. Ethical Political Culture
 2. Individualist Political Culture
 3. Traditionally Political Culture

۱۸۴... پژوهش‌های جامعه‌شناختی، سال پانزدهم، شماره دوم، تابستان ۱۴۰۰

تازه زندگی، معیارهای تازه برخورداری و امکانات جدید رضامندی نقش دارند. این تجارب نو، موانع شناختی فرهنگ سنتی را درهم می‌شکند و سطوح بالا و تازه‌ای از آرزوها و خواسته‌ها را به صحنه می‌کشاند. (هانتینگتون، ۱۳۷۰: ۱۱۷)

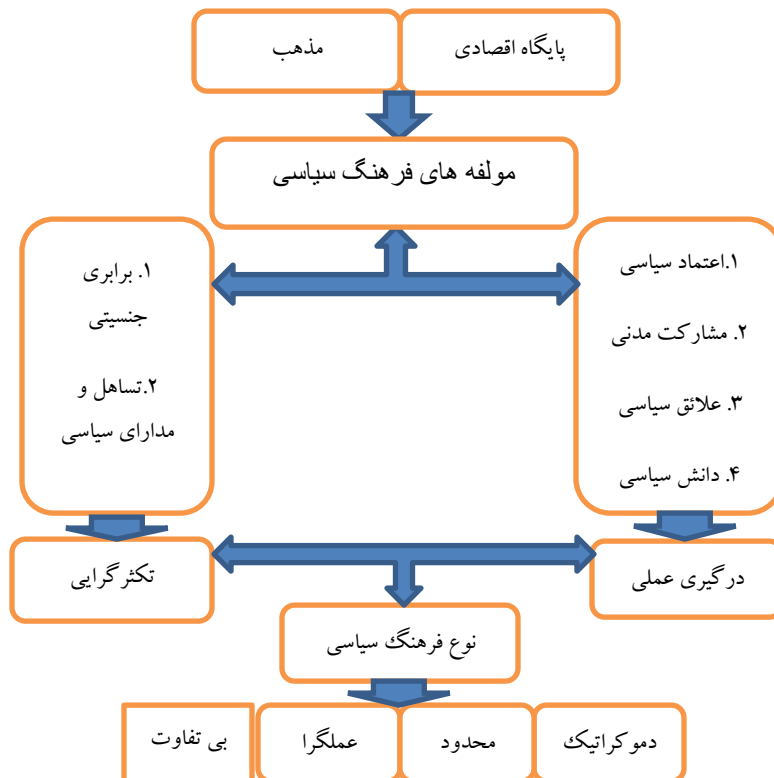
مارک تسلا از جمله متفکران حوزه نوسازی می‌باشد که با تأسی از نظریات آلموند و وریا و اینگلههارت، فرهنگ سیاسی را شامل جنبه‌های شناختی و رفتار شهروندان و مردم عادی می‌داند. به باور او، جنبه شناختی فرهنگ سیاسی، دو متغیر «اعتقاد به برابر جنسیتی» و «تساهل یا مدارای سیاسی» را شامل می‌شود. جنبه رفتار فرهنگ سیاسی نیز متغیرهای «اعتماد سیاسی»، «مشارکت مدنی»، «علاقه سیاسی» و «دانش سیاسی» را شامل می‌شود. او متغیرهای شناختی را با عنوان «تکثرگرایی سیاسی» و متغیرهای رفتاری را با عنوان «درگیری عملی در سیاست» مقوله بندی می‌کند (تسلا، ۲۰۱۱: ۳۷۰).

تسلا، با لحاظ کردن شدت وضعف معیارهای شناختی و رفتاری شهروندان عادی و با توجه به عناصر مدارای سیاسی، حمایت از برابری جنسیتی، علاقه سیاسی، دانش سیاسی، مشارکت مدنی و اعتماد بین فردی، فرهنگ سیاسی در جوامع اسلامی را به چهار نوع تقسیم می‌کند: ۱- فرهنگ سیاسی دموکراتیک؛ در این نوع فرهنگ سیاسی، افراد عقاید سیاسی متنوع را تحمل می‌کنند، از برابر جنسیتی، حمایت و نسبت به سیاست علاقه و شناخت دارند، در زندگی مدنی و جمعی مشارکت می‌کنند و به شهروندان اعتماد دارند. ۲- فرهنگ سیاسی بی تفاوت؛ در این نوع فرهنگ سیاسی، افراد عقاید سیاسی متنوع را تحمل و از برابری جنسیتی حمایت می‌کنند؛ اما نسبت به سیاست علاقه و شناخت ندارند. در زندگی مدنی و جمعی مشارکت نمی‌کنند و به شهروندان اعتماد ندارند. این افراد به امور سیاسی یا رفتار دیگران اهمیتی نمی‌دهند. ۳- فرهنگ سیاسی عملگرا؛ در این نوع فرهنگ سیاسی، افراد عقاید سیاسی متنوع را تحمل نمی‌کنند و از برابری جنسیتی حمایت نمی‌کنند؛ اما نسبت به سیاست، علاقه‌مند و از دانش کافی نسبت به سیاست برخوردارند و در زندگی مدنی و جمعی مشارکت می‌کنند و به شهروندان اعتماد دارند.

-
- 1 Democratic Political Culture
 - 2 Indifferent Political Culture
 - 3 Pragmatic Political Culture

۱۸۵.....بررسی جامعه شناختی رابطه پایگاه اقتصادی و مذهب با فرهنگ سیاسی در

این افراد خود را با زندگی سیاسی و اجتماعی وفق می دهند؛ اما با افکار آلترناتیو، مزیت ها و سبک زندگی آنان میانه خوبی ندارند. ۴- فرهنگ سیاسی محدود^۱: در این نوع فرهنگ سیاسی، افراد عقاید سیاسی متنوع و مخالف را تحمل نمی کنند، از برابری جنسیتی حمایت نمی کنند، شناخت و علاقه ای نسبت به سیاست ندارند، در زندگی مدنی و جمعی مشارکت نمی کنند و به شهروندان اعتماد ندارند. (تسلر، ۲۰۱۱: ۱۹۷).



شکل (۱): مدل نظری پژوهش

روش‌شناسی

پژوهش حاضر کمی و به روش پیمایشی انجام شده است. جامعه آماری تحقیق شامل کلیه دانشجویان دختر و پسر دانشگاه‌های فرهنگیان غرب کشور (سنندج، کرمانشاه، همدان، خرم‌آباد، ایلام)، با مقطع تحصیلی کارشناسی ورشته‌های مختلف می‌باشند. جمعیت جامعه آماری ۶۵۰۸ نفر، که حجم نمونه پس از محاسبه با استفاده از فرمول کوکران، با توجه به خطای اندازه‌گیری ۵٪ و سطح اطمینان ۹۵٪ با آماره مجذور کای برای یک درجه آزادی، ۳۶۲ نفر تعیین شد که با روش نمونه‌گیری تصادفی طبقه‌ای انتخاب شدند. جهت جمع‌آوری داده، نسبت به طراحی پرسشنامه محقق ساخته و از طیف لیکرت ۵ گزینه‌ای برای پاسخ استفاده شده است. پرسشنامه شامل سوالات مربوط به متغیرهای، مذهب و پایگاه اقتصادی، که متغیر مذهب به دو گروه سنی و شیعه تقسیم شد، و برای سنجش متغیر پایگاه اقتصادی از ۹ سوال استفاده شده است، و برای متغیر فرهنگ سیاسی که براساس مدل فرهنگ سیاسی مارک تسلر می‌باشد، از ۱۲ سوال مشارکت سیاسی، ۱۶ سوال تساهل و مدارای سیاسی، ۱۳ سوال اعتماد سیاسی، ۹ سوال برابری جنسیتی، ۱۲ سوال دانش سیاسی، ۶ سوال علاقه سیاسی، برای سنجش آن استفاده شده است. تعاریف نظری و عملیاتی متغیرهای پژوهش به شرح زیر است:

فرهنگ سیاسی: مفهوم فرهنگ سیاسی، دربرگیرنده جهت‌گیری‌ها ارزیابی‌ها و ایستارهای افراد نسبت به نظام سیاسی و بخش‌های مختلف آن و نیز جهت‌گیری نسبت به گرایش‌ها و طرز تلقی‌ها به نقش خود در سیاست است در واقع، فرهنگ سیاسی دریچه‌ای به ابعاد ذهنی سیاست‌گشوده و در آن‌ها هنجارهای سیاسی حکمرانی شامل اهداف سیاسی مسلط، فرآیندهای سیاسی مرجح و نگاه شهروندان به حاکمیتشان جمع می‌شود (آلموند و وربا، ۱۹۶۳: ۱۸۱). در این پژوهش برای مطالعه و عملیاتی کردن فرهنگ سیاسی از تیپولوژی فرهنگ سیاسی مارک تسلر استفاده است که به عقیده او چهار نوع فرهنگ سیاسی (دموکراتیک، بی‌تفاوت، فعال، محدود) وجود دارد. برای سنجش فرهنگ سیاسی از شش مولفه که عبارتند از: مشارکت سیاسی، دانش سیاسی، علاقه سیاسی، تساهل و مداراسیاسی، اعتماد سیاسی، برابری

۱۸۷ بررسی جامعه‌شناختی رابطه پایگاه اقتصادی و مذهب با فرهنگ سیاسی در

جنسیتی، استفاده کرده است و از طرفی برای عملیاتی کردن هر یک از این مولفه‌ها، گویه‌های برای سنجش آنها در نظر گرفته شده است.

مشارکت سیاسی: واژه مشارکت به معنای شراکت و همکاری در کاری، امری یا فعالیتی و حضور در جمعی، گروهی و سازمانی به منظور بحث و تصمیم‌گیری به صورت فعال یا غیر فعال است، جوهر اصلی مشارکت را باید در فرایند درگیری، فعالیت و تاثیر پذیری دانست. (علوی تبار، ۱۳۷۹: ۱۵) مشارکت سیاسی می‌تواند به مثابه مجموعه‌ای از فعالیت‌ها و اعمال تعریف کرد که شهروندان به وسیله آن اعمال در جستجوی نفوذ یا حمایت از حکومت و سیاست خاصی دانست (میلبرات، ۱۹۷۷: ۲) در پژوهش حاضر، این متغیر در قالب ۱۳ گویه در ابعاد، رای دادن، مشارکت در عرصه‌های سیاسی، شرکت در راهپیمایی‌های مختلف، فعالیت در ستادهای انتخاباتی، وارد شدن در عرصه مبارزه سیاسی به عنوان یک کاندیدا، کمک‌های مالی و غیرمالی به تشکل‌های سیاسی، داوطلب شدن برای نقش‌های سیاسی، شرکت در جلسات پرسش و پاسخ نامزدهای که در انتخابات شرکت می‌کنند، فعالیت در روزنامه‌ها و مطبوعات سیاسی، مجاب کردن دیگران به منظور رای دادن، حق مسلم خود دانستن رای دادن و مشارکت سیاسی، سنجش شده است.

دانش سیاسی: آلموند و وربا، دانش نسبت به نظام سیاسی، نهادها و مسئولین آنها و ورودی‌ها و خروجی‌ها این نظام سیاسی را بعد شناختی فرهنگ سیاسی می‌دانند (سریع القلم، ۱۳۸۹: ۲۴). این متغیر در قالب ۱۲ گویه، اطلاع افراد از کارکردها و ساختارها و وظایف قوای نظام، تحولات مربوط به برنامه هسته‌ای ایران و سند چشم‌انداز بیست سال، آشنای با احزاب گوناگون در کشور، نام رجال سیاسی و... در سطح ترتیبی، عملیاتی و سنجش شده است.

علاقه سیاسی: میزان گرایش و تمایل افراد به شرکت در مباحث و امور سیاسی است. افرادی که به سیاست علاقه مند هستند بیشتر دنباله‌رو امور سیاسی و مشارکت در فعالیت‌های مدنی هستند. (تسلر و همکاران، ۱۹۷: ۲۰۰۹). برای عملیاتی کردن مولفه علاقه سیاسی از ۵ گویه استفاده شده است. که در

ابعاد، علاقه‌مندی به مطالعه نشریه‌های سیاسی، نقش سیاست‌دروزرندگی روزمره، مشارکت در بحث‌های سیاسی، پیگیری اخبار و رویدادهای سیاسی، در سطح ترتیبی، عملیاتی و سنجش شده است. تساهل و مدارای سیاسی: تساهل به عنوان عمل آگاهانه فرد یا سازمانی در نظر گرفته می‌شود در خودداری از مخالفت و سرزنش یا خشونت علیه اعتقادات دیگری، به رغم مخالفت شخص با آن اعتقادات. مدارا اساساً شکلی از خودداری (خودکنترلی) است. (ادیبی سده و همکاران، ۱۳۹۲: ۲۸). برای عملیاتی کردن این متغیر، از ۱۶ گویه استفاده شده است، و از ابعاد، بیان آزادانه عقاید، کاندیدا شدن منتقدان دولت برای ریاست جمهوری، حق استخدام به کسانی که به هیچ دینی اعتقاد ندارند، دستگیر نشدن افراد به دلیل حرف زدن علیه حکومت، آزادی افراد در پذیرفتن آرا و نظریات جدید سیاسی، اگران فیلم‌های منتقد سیاست‌های دولت، اشتغال شهروندان اقلیت‌های مذهبی در پست‌های سیاسی، احترام به نظریات منتقدین عملکرد دولت، تعطیلی روزنامه‌های مخالف دولت، اجازه دادن به اندیشه‌های متفاوت، آزادی اجتماعات سیاسی، محرومیت از مزایای اجتماعی افراد عضو گروه‌های سیاسی منتقد دولت، مجازات افراد معترض به برخی مسائل اجتماعی، صبر و تحمل در مقابل انتقادات و اعتراضات معترضان، برای سنجش آن استفاده شده است.

اعتماد سیاسی: تعاریف متفاوتی از مفهوم اعتماد سیاسی ارائه شده است. وارن در تعریف خود بر تمایل مردم برای پیروی از رهبران سیاسی در یک جامعه تأکید نموده است. فوکویاما نیز به درک مشترک جامعه اخلاقی، اجتماعی، سیاسی با توافق بر روی ارزش‌ها اجتماعی که باید تعقیب شود، اشاره نموده است. (فوکویاما، ۱۹۹۵: ۱). اما در تعریف هترینگتون از اعتماد سیاسی، عبارت است حدی از باور و اعتقاد شهروندان در مورد توانایی و موفقیت سرمداران سیاسی در برآورده کردن انتظارات آنهاست. (هترینگتون، ۱۹۹۸: ۷۹۱). در پژوهش حاضر، این متغیر در قالب ۱۳ گویه در ابعاد متخصص بودن مسئولین دولت در زمینه کار خود، اجرای درست وظایف توسط مسئولان دولت، احساس وظیفه مسئولان دولت نسبت به مردم، یکی بودن حرف و عمل مسئولین دولت، اعتماد به صداقت و راستگویی مسئولان دولت، عمل نکردن در چهارچوب قانون توسط مسئولین دولت، شایسته‌سالاری در انتخابات مسئولان دولت، ترجیح دادن منافع فردی خود را به منافع ملی در نزد مسئولان دولت، پارتی‌بازی در بخش‌های دولتی،

اهمیت دادن به نظرات مردم توسط نهادهای سیاسی و دولتی، دغدغه دولتمردان خدمت به مردم، عمل کردن کارگزاران تمام نهادها به وعده‌های خود، در سطح عملیاتی مورد سنجش قرار گرفته است. برابری جنسیتی: میزان باور افراد به اینکه جنسیت تاثیری در میزان برخورداری از حقوق و امتیازات سیاسی ندارد. (تسلر، ۲۰۱۱: ۱۹۸) برابری جنسیتی یعنی زن و مرد حقوق و وظایف یکسان دارند و از فرصت‌های مساوی با مردان در جامعه برخوردارند. در این پژوهش با توجه به اینکه جامعه آماری ما دانشجویان دختر می‌باشند. بنابراین برای عملیاتی کردن این متغیر از ۹ گویه در ابعاد برابری فرصت‌های آموزشی، تجاری، شغلی، سیاسی، حقوقی در سطح تربیتی عملیاتی و سنجش شده است. پایگاه اقتصادی^۱: یکی از مهم‌ترین متغیرها در حوزه تحقیقات اجتماعی بخصوص در بررسی وضعیت دموکراسی در جوامع مختلف است. پایگاه اقتصادی شاخصی ترکیبی است که تجربه کاری و موقعیت اجتماعی و اقتصادی فرد نسبت به دیگر افراد جامعه بیان می‌کند و به سه دسته، بالا، متوسط و پایین تقسیم می‌شود. این شاخص از دیرباز به منزله متغیری برای مطالعات نابرابری در جمعیت‌ها و میزان دسترسی افراد به منابع توسعه به کار می‌رود که شامل متغیرهای میزان درآمد ماهانه و میزان دارای‌های آنها، میزان تحصیلات، و جهت شغلی می‌باشد. یا به عبارتی پایگاهی است که یک فرد یا خانواده، با ارجاع به استانداردهای میانگین رایج درباره ویژگی‌های فرهنگی، درآمد موثر، دارایی‌های مادی و مشارکت در فعالیت‌های گروهی - اجتماعی به دست می‌آورد (کونن، ۱۳۸۶: ۱۹۴). بنابراین برای عملیاتی کردن این متغیر از ۹ گویه در ابعاد، تحصیلات، شغل، وضعیت مسکن، ارزش خودرو شخصی و درآمد پدر و مادر، و ارزش دارای‌ها شامل (زمین کشاورزی - مسکونی)، ساختمان (تجاری - مسکونی)، باغ می‌باشد. مذهب^۲: اشاره به یک نهاد، همراه با پیام آورانی که اصول و قواعد را برای پرستش و عبادت گردآوری می‌نمایند و دربرگیرنده پیشنهادها و راهنمایی‌هایی برای هدایت افراد و شناخت ماهیت متعالی حقیقت می‌باشد. براساس تحقیق روف^۳، مذهب شامل آیین‌های مذهبی و وفاداری به اصول دینی

1. Economic Base
2. Religion
3. Roof

۱۹۰... پژوهش‌های جامعه‌شناختی، سال پانزدهم، شماره دوم، تابستان ۱۴۰۰

است (روف، ۱۹۹۳: ۱۵۵). بنابراین در این پژوهش با توجه به جامعه آماری مورد بررسی به دو گروه سنی و شیعه تقسیم شدند.

جهت تایید روایی پرسشنامه، سوالات توسط چند نفر از متخصصان دانشگاهی و اجرایی حوزه جامعه‌شناسی سیاسی مورد مطالعه و بررسی قرار گرفتند و سوالاتی که مبهم و یا نامفهوم بودند حذف، اصلاح و یا جایگزین آن سوالات تعیین گردید، و برای ارزیابی پایایی، پرسشنامه طراحی شده، روی یک نمونه ۳۰ نفری از دانشجویان به اجرا درآمد و بعد از استخراج نمرات مربوط به پرسشنامه و وارد کردن آنها در نرم افزار SPSS، از آزمون آلفای کرونباخ استفاده شد، و به دلیل اینکه ضرایب آلفای تمام متغیرهای تحقیق بالاتر از ۰/۷۰ می‌باشد می‌توان گفت پرسشنامه از پایایی و قابلیت اعتماد مطلوبی برخوردار است. و نیز برای سنجش فرضیات، از روشهای آماری، آزمون رگرسیون لجستیک چند حالتی مولتی نومینال و کای-اسکوئر استفاده شده است.

یافته‌ها

الف- یافته‌های توصیفی

جدول (۱): توزیع فراوانی جنسیت، سن، وضعیت تأهل، استان مورد مطالعه، مذهب، پایگاه اقتصادی

جنسیت	فراوانی	درصد	سن	فراوانی	درصد	وضعیت تأهل	فراوانی	درصد
زن	۱۷۸	۴۹/۲	۱۸-۲۰ سال	۲۲۵	۶۲/۲	مجرد	۳۰۰	۸۲/۹
مرد	۱۸۴	۵۰/۸	۲۱-۲۳ سال	۱۲۵	۳۴/۵	متأهل	۶۲	۱۷/۱
مجموع	۳۶۲	٪۱۰۰	۲۴-۲۶ سال	۱۲	۳/۳	مجموع	۳۶۲	٪۱۰۰
			مجموع	۳۶۲	٪۱۰۰			
استان	فراوانی	درصد	مذهب	فراوانی	درصد	پایگاه اقتصادی	فراوانی	درصد
ایلام	۳۷	۱۰/۲	شیعه	۲۸۴	۷۸/۵	پایین	۵۳	۱۴/۶
همدان	۸۴	۲۳/۲	سنی	۷۸	۲۱/۵	متوسط	۲۵۷	۷۱٪
لرستان	۱۰۰	۲۷/۶	مجموع	۳۶۲	٪۱۰۰	بالا	۵۲	۱۴/۴
کرمانشاه	۷۰	۱۹/۳				مجموع	۳۶۲	٪۱۰۰
کردستان	۷۱	۱۹/۶						
مجموع	۳۶۲	٪۱۰۰						

۱۹۱ بررسی جامعه شناختی رابطه پایگاه اقتصادی و مذهب با فرهنگ سیاسی در.....

طبق نتایج جدول (۱): ۴۹/۲ درصد پاسخگویان زن و ۵۰/۸ درصد آنان نیز مرد بودند. سن اکثریت پاسخگویان با ۶۲/۵ درصد با بیشترین فراوانی بین (۲۰-۱۸) سال و اکثریت پاسخگویان با ۸۲/۹ درصد مجرد بودند. از میان کل پاسخگویان ۳۷ نفر پاسخگویان با ۱۰/۲ درصد دانشجوی استان ایلام، ۸۴ نفر با ۲۳/۲ درصد فراوانی دانشجوی استان همدان، ۱۰۰ نفر با ۲۷/۶ درصد فراوانی دانشجوی استان لرستان، ۷۰ نفر با ۱۹/۳ درصد فراوانی دانشجوی استان کرمانشاه و ۷۱ نفر با ۱۹/۶ درصد فراوانی دانشجوی استان کردستان بودند.

بیشترین فراوانی مربوط به مذهب شیعه دانشجویان ۷۸/۵ درصد فراوانی، و کمترین فراوانی مربوط به مذهب سنی دانشجویان ۲۱/۵ درصد فراوانی بود. از میان کل پاسخگویان ۵۳ نفر با ۱۴/۶ درصد فراوانی مربوط به پایگاه اقتصادی پایین، ۲۵۷ نفر با ۷۱٪ درصد فراوانی پایگاه اقتصادی متوسط و ۵۲ نفر با ۱۴/۴ درصد فراوانی مربوط به پایگاه اقتصادی بالا بودند.

جدول (۲): توزیع میانگین مؤلفه‌های فرهنگ سیاسی نمونه مورد مطالعه

مشارکت سیاسی	تساهل و مدارای سیاسی	اعتماد سیاسی	برابری جنسیتی	دانش سیاسی	علاقه سیاسی
۳/۹۰	۴/۰۷	۳/۳۲	۳/۶۸	۳/۷۴	۳/۷۹

طبق نتایج جدول (۲): بیشترین میانگین مربوط به مشارکت سیاسی دانشجویان دانشگاه فرهنگیان و کمترین میانگین مربوط به اعتماد سیاسی دانشجویان می باشد

جدول (۳): توزیع میانگین مؤلفه‌های فرهنگ سیاسی به تفکیک مراکز استان محل تحصیل پاسخگویان

شهر	مشارکت سیاسی	تساهل و مدارای سیاسی	اعتماد سیاسی	برابری جنسیتی	دانش سیاسی	علاقه سیاسی
ایلام	۳/۵۴(۰/۸۵۶)	۳/۴۸(۰/۶۷۲)	۲/۸۱(۰/۷۲۱)	۳/۴۱(۰/۴۵۶)	۲/۹۰(۰/۹۹۲)	۲/۵۴(۱/۲۲)
همدان	۳/۶۴(۰/۵۰۸)	۳/۵۸(۰/۴۸۵)	۲/۹۱(۰/۶۹۶)	۳/۴۰(۰/۴۵۵)	۳/۴۰(۱/۱۳)	۳/۶۸(۱/۲۴)
خرم آباد	۳/۷۳(۰/۵۱۶)	۳/۵۵(۰/۵۶۴)	۳/۰۰(۰/۶۳۱)	۳/۴۲(۰/۵۸۶)	۳/۵۶(۱/۰۱)	۲/۸۷(۱/۰۲)

۱۹۲... پژوهش‌های جامعه‌شناختی، سال پانزدهم، شماره دوم، تابستان ۱۴۰۰

۲/۳۴(۱/۰۰)	۲/۲۰(۰/۹۶۰)	۳/۳۵(۰/۴۴۵)	۲/۹۸(۰/۴۴۷)	۳/۴۵(۰/۴۲۳)	۲/۶۳(۰/۴۸۵)	کرمانشاه
۲/۷۶(۱/۱۶)	۲/۶۵(۰/۷۲۶)	۲/۸۵(۰/۱۶۸)	۲/۷۴(۰/۴۴۸)	۳/۹۱(۰/۵۱۳)	۲/۶۴(۰/۵۰۴)	سنندج

طبق نتایج جدول (۳): میانگین مشارکت سیاسی در بین دانشجویان شهرهای خرم آباد، ایلام، همدان، بیشتر از میانگین مشارکت سیاسی در بین دانشجویان سنندج و کرمانشاه بود. میانگین تساهل و مدارای سیاسی در بین دانشجویان شهرهای سنندج، خرم آباد و همدان بیشتر از میانگین تساهل و مدارای سیاسی در بین دانشجویان شهرهای دیگر بود. میانگین اعتماد سیاسی در بین دانشجویان شهر خرم آباد بیشتر از میانگین اعتماد سیاسی در بین دانشجویان شهرهای دیگر بود. میانگین برابری جنسیتی در بین دانشجویان شهرهای خرم آباد و ایلام و همدان بیشتر از میانگین برابری جنسیتی در بین دانشجویان شهرهای دیگر بود. میانگین دانش سیاسی در بین دانشجویان شهرهای خرم آباد و همدان بیشتر از میانگین دانش سیاسی در بین دانشجویان شهرهای دیگر بود. میانگین علاقه سیاسی در بین دانشجویان شهر همدان بیشتر از

جدول (۴): توزیع میانگین مؤلفه‌های فرهنگ سیاسی به تفکیک مذهب پاسخگویان

مذهب	مشارکت سیاسی	تساهل و مدارای سیاسی	اعتماد سیاسی	برابری جنسیتی	دانش سیاسی	علاقه سیاسی
شیعه	۳/۶۲(۰/۵۹۶)	۳/۵۴(۰/۵۴۹)	۲/۹۱(۰/۶۴۵)	۳/۳۶(۰/۴۹۲)	۳/۳۷(۱/۰۳)	۳/۶۱(۱/۱۷)
سنی	۲/۸۶(۰/۶۴۰)	۳/۸۴(۰/۴۶۳)	۲/۸۹(۰/۳۹۶)	۳/۰۲(۰/۴۵۳)	۳/۵۵(۰/۸۷۳)	۲/۹۷(۱/۱۱)

طبق نتایج جدول (۴): میانگین مشارکت سیاسی، اعتماد سیاسی، برابری جنسیتی، علاقه سیاسی و دانش سیاسی در بین افراد دارای مذهب شیعه بیشتر میانگین مؤلفه‌های ذکر شده در بین افراد دارای مذهب سنی بود. میانگین مؤلفه‌های تساهل و مدارای سیاسی، در بین افراد دارای مذهب سنی بیشتر میانگین تساهل و مدارای سیاسی در بین افراد دارای مذهب شیعه بود.

فرهنگ سیاسی به تفکیک مذهب:

جدول (۵) توزیع فراوانی نمونه آماری تحقیق بر حسب نوع فرهنگ سیاسی به تفکیک مذهب

۱۹۳ بررسی جامعه شناختی رابطه پایگاه اقتصادی و مذهب با فرهنگ سیاسی در

نوع فرهنگ	شیعه	سنی	مجموع
فرهنگ دموکراتیک	۱۱۸(۳۲/۶)	۱۶(۴/۴)	۱۳۴(۳۷/۳۷)
فرهنگ عملگرا	۶(۱/۷)	۰(۰/۰)	۶(۱/۷)
فرهنگ بی تفاوت	۱۴۸(۴۰/۹)	۶۰(۱۶/۶)	۲۰۸(۵۷/۵)
فرهنگ محدود	۱۲(۳/۳)	۲(۰/۰۶)	۱۴(۳/۹)
مجموع	۲۸۴(۷۸/۵)	۷۸(۲۱/۵)	۳۶۲(۱۰۰/۰)

طبق نتایج جدول (۵)؛ از بین تمام پاسخگویان ۲۰۸(۵۷/۵) نفر از پاسخگویان با بیشترین فراوانی دارای فرهنگ بی تفاوت، ۱۳۴(۳۷/۳۷) نفر از پاسخگویان دارای فرهنگ دموکراتیک، ۱۴(۳/۹) نفر از پاسخگویان دارای فرهنگ محدود، ۶(۱/۷) نفر از پاسخگویان دارای فرهنگ عملگرا بودند. فراوانی فرهنگ دموکراتیک، عملگرا، بی تفاوت و محدود در بین افراد دارای مذهب شیعه بیشتر از افراد دارای مذهب سنی بود.

مؤلفه‌های فرهنگ سیاسی به تفکیک پایگاه اقتصادی:

جدول (۶): توزیع میانگین مؤلفه‌های فرهنگ سیاسی به تفکیک پایگاه اقتصادی پاسخگویان

پایگاه اقتصادی	مشارکت سیاسی	تساهل و مدارای سیاسی	اعتماد سیاسی	برابری جنسیتی	دانش سیاسی	علاقه سیاسی
پایین	۳/۳۸(۰/۶۶۵)	۳/۳۲(۰/۷۴۲)	۲/۹۶(۰/۶۷۵)	۳/۴۱(۰/۵۶۳)	۳/۴۶(۰/۹۴۰)	۳/۱۶(۱/۱۳)
متوسط	۳/۴۰(۰/۶۳۵)	۳/۶۱(۰/۴۶۸)	۲/۸۵(۰/۵۳۴)	۳/۲۴(۰/۴۶۶)	۳/۳۹(۱/۰۱)	۳/۴۵(۱/۱۳)
بالا	۳/۸۵(۰/۷۹۷)	۳/۸۷(۰/۵۳۶)	۳/۰۹(۰/۷۷۳)	۳/۴۰(۰/۵۸۱)	۳/۴۴(۱/۰۴)	۳/۸۹(۱/۳۹)

طبق نتایج جدول (۶): میانگین (مشارکت سیاسی، تساهل و مدارای سیاسی، اعتماد سیاسی، علاقه سیاسی) در بین افراد دارای پایگاه اقتصادی بالا بیشتر از میانگین مؤلفه‌های ذکر شده در بین افراد دارای پایگاه اقتصادی متوسط و پایین بود. میانگین مؤلفه‌های برابری جنسیتی، دانش سیاسی دارای پایگاه اقتصادی پایین بیشتر از میانگین مؤلفه‌های ذکر شده در بین افراد دارای پایگاه اقتصادی متوسط و بالا بود.

نوع فرهنگ سیاسی به تفکیک پایگاه اقتصادی:

جدول (۷) توزیع فراوانی نمونه آماری تحقیق بر حسب نوع فرهنگ سیاسی به تفکیک پایگاه اقتصادی

۱۹۴... پژوهش‌های جامعه‌شناختی، سال پانزدهم، شماره دوم، تابستان ۱۴۰۰

نوع فرهنگ	پایین	متوسط	بالا	مجموع
فرهنگ دموکراتیک	۱۸(۵)	۸۳(۲۲/۹)	۳۳(۹/۱)	۱۳۴(۳۷)
فرهنگ عملگرا	۰(۰)	۶(۱/۷)	۰(۰)	۶(۱/۷)
فرهنگ بی تفاوت	۲۷(۷/۵)	۱۶۲(۴۴/۸)	۱۹(۵/۲)	۲۰۸(۵۷/۵)
فرهنگ محدود	۹(۲/۵)	۰(۰)	۲(۰/۰۶)	۱۴(۳/۹)
مجموع	۵۳(۱۴/۶)	۲۵۷(۷۱)	۵۲(۱۴/۴)	۳۶۲(۱۰۰)

طبق نتایج جدول (۷)؛ از بین تمام پاسخگویان ۲۰۸(۵۷/۵) نفر از پاسخگویان با بیشترین فراوانی دارای فرهنگ بی تفاوت، ۱۳۴(۳۷) نفر دارای فرهنگ دموکراتیک، ۱۴(۳/۹) نفر از پاسخگویان دارای فرهنگ محدود، ۶(۱/۷) نفر از پاسخگویان دارای فرهنگ عملگرا بودند. ۳۳(۹/۱) نفر از پاسخگویان دارای پایگاه اقتصادی بالا با بیشترین فراوانی دارای فرهنگ دموکراتیک، ۶(۱/۷) نفر از پاسخگویان دارای پایگاه اقتصادی متوسط با بیشترین فراوانی دارای فرهنگ عملگرا، ۱۶۲(۴۴/۸) نفر با بیشترین فراوانی دارای فرهنگ بی تفاوت، ۹(۲/۵) نفر از پاسخگویان دارای پایگاه اقتصادی پایین نیز با بیشترین فراوانی دارای فرهنگ محدود بودند.

ب- یافته‌های استنباطی

فرضیه ۱: به نظرمی رسد بین فرهنگ سیاسی دانشجویان دانشگاه فرهنگیان غرب کشور با مذهب آنان رابطه وجود دارد.

جدول (۸): رابطه‌ی همبستگی بین مذهب و نوع فرهنگ سیاسی

نوع آزمون	شدت ارتباط	سطح معناداری
Chi-Square	۱۵/۹۵	۰/۰۰۱
Phi	۰/۲۱۰	۰/۰۰۱
Cramer's V	۰/۲۱۰	۰/۰۰۱

با توجه به نتایج جدول (۸) و با توجه به سطح معناداری آزمونی کای-اسکور که کمتر از (۰/۰۵) خطا است، فرض ارتباط بین مذهب و فرهنگ سیاسی پذیرفته می‌شود. به عبارت دیگر عامل مذهب روی نگرش افراد به فرهنگ سیاسی مؤثر است. هم چنین با توجه به سطح معناداری آماره‌های خی دو و وی

۱۹۵..... بررسی جامعه شناختی رابطه پایگاه اقتصادی و مذهب با فرهنگ سیاسی در

کرامرز فرض وجود ارتباط بین مذهب و فرهنگ سیاسی پذیرش می شود.

جدول (۹): جدول اطلاعات برازش مدل

Likelihood Ratio Tests			Model Fitting Criteria			
سطح معناداری	درجه آزادی	خی دو	لگاریتم درست نمایی	بیزین	آکانیک	مدل
۰/۰۰۰	۳	۳۳۹/۵۵	۴۸۰/۷۱	۴۸۰/۹۰	۴۸۰/۷۱	Null
			۱۴۱/۱۶	۱۵۸/۸۳	۱۴۷/۱۶	Final

فرضیه ۲: به نظرمی رسد بین فرهنگ سیاسی دانشجویان دانشگاه فرهنگیان غرب کشور با پایگاه اقتصادی آنان رابطه وجود دارد. طبق نتایج جدول (۹): پایگاه اقتصادی متغیری از متغیرهای مالی است که بصورت یک متغیر پیوسته تعریف شده است که عدد کوچکتر توان مالی کم، عدد بزرگتر توان مالی و پایگاه اقتصادی بالا است بنابراین در حالت کلی با در نظر گرفتن متغیر پایگاه اقتصادی و نوع فرهنگ سیاسی آزمون فرمن براساس رگرسیون لجستیک چند حالتی با توجه به جدول اطلاعات برازش مدل و شاخص - های آکانیک و بیزین و لگاریتم درست نمایی و آزمون مربع کای سطح معنی داری $\text{sig}=0/000$ که از $(0/05)$ خطا کمتر است. فرض معناداری اثر پایگاه اقتصادی روی فرهنگ سیاسی پذیرفته می شود به همین دلیل برازش مدل مناسب است و مدل انتخاب شده قابل پذیرش است.

جدول (۱۰): جدول آزمون نسبت در تنهایی

Likelihood Ratio Tests			Model Fitting Criteria			میزان تأثیر
سطح معناداری	درجه آزادی	خی دو	لگاریتم درست نمایی	بیزین	آکانیک	
۰/۰۰۰	۳	۳۳۹/۵۵	۴۸۰/۷۱	۴۸۰/۷۱	۴۸۰/۷۱	پایگاه اقتصادی

جدول (۱۱): جدول برآورد پارامترهای پژوهش

نوع	پایگاه	ضریب	خطای	آماره	درجه	سطح	ریسک	فاصله اطمینان
-----	--------	------	------	-------	------	-----	------	---------------

۱۹۶... پژوهش‌های جامعه‌شناختی، سال پانزدهم، شماره دوم، تابستان ۱۴۰۰

فرهنگ	اقتصادی	رگرسیون	استاندارد	والد	آزادی	معناداری	حد	حد
							پایین	بالا
فرهنگ	پایین	۰/۲۸۸	۰/۰۳۷	۶۲/۰۱	۱	۰/۰۰۰	۱/۳۳	۱/۲۴
سیاسی	متوسط	-۰/۱۱۶	۰/۰۶۴	۳/۲۲	۱	۰/۰۷۲	۰/۸۹۱	۰/۷۸۵
	بالا	۰/۳۲۶	۰/۰۳۶	۸۰/۹۰	۱	۰/۰۰۰	۱/۳۸	۱/۲۹

طبق نتایج جداول (۱۱،۱۰) با توجه به سطح معناداری در این آزمون که از ۰/۰۵ درصد کمتر است. فرضیه ارتباط پایگاه اقتصادی و تمایل به فرهنگ سیاسی ۴ گانه پذیرش می‌شود. با توجه به جدول برآورد پارامترهای مدل و ضرایب رگرسیونی پایگاه اقتصادی ضریب مثبت و معناداری با فرهنگ دموکراتیک و فرهنگ بی تفاوت دارد. یعنی با بهبود وضعیت اقتصادی تمایل به فرهنگ‌های دموکراتیک و بی تفاوت بیشتر است و در مقابل در خصوص فرهنگ سیاسی عملگرا شاخص پایگاه اقتصادی معنادار نیست و حتی ضرایب آن نیز منفی است یعنی با بهبود وضعیت اقتصادی تمایل به فرهنگ سیاسی عملگرا بیشتر است.

بحث و نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر با هدف بررسی جامعه‌شناختی رابطه پایگاه اقتصادی و مذهب با فرهنگ سیاسی دانشجویان دانشگاه فرهنگیان غرب کشور صورت گرفته است. نتایج پژوهش نشان داد که متغیر پایگاه اقتصادی بهترین پیش‌بین برای فرهنگ‌های سیاسی (دموکراتیک، بی تفاوت، محدود، عملگرا) بودند. طبق نتایج یافته‌های پژوهش افرادی که در پایگاه اقتصادی پایین جامعه قرار دارند اکثریت گرایش به فرهنگ سیاسی بی تفاوت دارند و افرادی که در پایگاه اقتصادی متوسطه جامعه هستند گرایش به دو فرهنگ سیاسی بی تفاوت و دموکراتیک دارند، علت وجود دونوع فرهنگ سیاسی در این پایگاه می‌تواند به دلیل این موضوع باشد که با توجه به شرایط حاکم بر جامعه (تورم، تحریم)، اکثریت پایگاه متوسطه جامعه لحاظ درآمد و رفاه به پایگاه پایین جامعه نزدیک شده اند یعنی به نوعی از تعداد پایگاه متوسطه جامعه کاسته شده و به عضوی از پایگاه پایین جامعه تبدیل شده اند، و طبق یافته‌ها اکثریت افرادی که در پایگاه اقتصادی بالای جامعه قرار دارند گرایش به فرهنگ سیاسی دموکراتیک داشتند این نتایج پژوهش با

نظریه اینگلهارت ولیپست همسو می باشد .

همچنان که لیپست معتقد است که فرهنگ سیاسی کسانی که از وضعیت اقتصادی بهتری برخوردارند بیشتر به فرهنگ دموکراتیک گرایش دارند و پیش شرط دموکراسی رارفاه اقتصادی می داند، از نظر او، ثروت اقتصادی به توسعه آموزش، بالارفتن سطح سواد، گسترش شهرنشینی، تقویت رسانه های جمعی و تلطیف منازعات سیاسی منجر می شود که زمینه ساز دموکراسی هستند. (کریکهاوس، ۶۳۵: ۲۰۰۴). او، با استناد به دیدگاه های نظریه پردازان سیاسی، چون ماکس وبر و جوزف شومپتر، که رابطه بازار آزاد و دموکراسی را نشان داده اند، معتقد است توسعه بسیاری از دموکراسی های قدیمی در اروپا و امریکا شمالی نتیجه توسعه اقتصادی آنان بوده است، چرا که با افزایش توسعه اقتصادی و رفاه در این جوامع، طبقه متوسط مستقلی پدید آمد که با قدرت اقتصادیش جامعه مدنی را شکل داد که دربردارنده نهادهای نیرومندی چون احزاب، انجمن ها و انواع گروه های ذی نفع بود که قدرت دولت را تضعیف می کردند. کاهش قدرت دولت به حاکمیت قانون منجر شد که اساس حکومت دموکراتیک است. اما در کشورهای در حال توسعه، که معمولاً قدرت اقتصادی در انحصار اقلیت قرار دارد و دولت منبع درآمد، قدرت، سرمایه و منزلت است ایجاد نظام دموکراتیک با مشکلات زیادی مواجه است (لیپست، ۱۹۶۰: ۱۸۴).

همچنین طبق یافته های پژوهش بین مذهب نمونه مورد مطالعه و فرهنگ سیاسی رابطه معنی داری وجود دارد. نتایج نشان دارد که اکثریت دانشجویانی که دارای مذهب سنی بودن (۲۱/۵) ۶۰ نفر به فرهنگ سیاسی بی تفاوت و اکثریت دانشجویانی که دارای مذهب شیعه بوده اند به دو فرهنگ سیاسی بی تفاوت (۴۰/۹) ۱۴۸ نفر و دموکراتیک (۳۲/۶) ۱۱۸ نفر گرایش داشته اند. این نتایج پژوهش با نظریه اینگلهارت، آلموند و وربا، جان فورن و الازار همسو می باشد. که به عقیده این صاحب نظران، مذهب متغیری تاثیر گذار بر نوع فرهنگ سیاسی می باشد.

منابع

- ادیبی سده، مهدی. رستگار، یاسر. بهشتی، سید صمد. (۱۳۹۲). مدارای اجتماعی و ابعاد آن، فصلنامه رفاه اجتماعی، سال سیزدهم، دوره (۱۳)، ش (۵۰)، ص ۳۷۶-۳۵۳
- اینگلهارت، رونالد. (۱۳۷۳). تحول فرهنگی در جامعه پیشرفته صنعتی، (ترجمه مریم وتر). تهران: نشر کویر.

۱۹۸.... پژوهش‌های جامعه‌شناختی، سال پانزدهم، شماره دوم، تابستان ۱۴۰۰

- آلموند، گابریل. پاول، جی. بینگام. (۱۳۷۵)، جامعه‌پذیری سیاسی و فرهنگ سیاسی، ترجمه: طیب، علیرضا. اطلاعات سیاسی، اقتصادی. سال یازدهم، شماره ۵ و ۶، بهمن و اسفند ۷۵، شماره پیاپی.
- اینکلهارت، رونالد. ولزل، کریستین. (۱۳۸۹). نوسازی، تغییر فرهنگی و دموکراسی، (ترجمه یعقوب احمدی)، تهران: نشر کویر.
- ازکیا، مصطفی. (۱۳۷۷). جامعه‌شناسی توسعه، تهران: کلمه.
- پهلوان، جنگیز. (۱۳۸۲). فرهنگ‌شناسی، تهران: نشر قطره.
- تسلر، مارک. (۱۳۸۲). اسلام و دموکراسی در خاورمیانه، (ترجمه مهدی حجت)، گزارش‌های علمی.
- حاتمی محمد رضا، فرجیان مرتضی، روشن چشم حامد، جمشیدی علی، (۱۳۹۱) بررسی عوامل موثر بر فرهنگ سیاسی دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی (مطالعه موردی: دانشجویان واحد پارس آباد). فصلنامه تحقیقات فرهنگی، سال پنجم، دوره ۵، شماره ۴، زمستان ۱۳۹۱. صص ۱۲۹-۱۰۷.
- رضایی، عبدالعلی. (۱۳۷۵). مشارکت اجتماعی، هدف یا ابزار توسعه. مجله اطلاعات سیاسی اقتصادی، سال سیزدهم، ش ۱۰۹-۱۱۰، صص ۵۴-۶۳.
- سریع‌القلم، محمود. (۱۳۸۹). فرهنگ سیاسی ایران، تهران: فرزانه روز.
- علمی، محمود. (۱۳۸۸). نقش آموزش و پرورش در توسعه و نهادمندی سیاسی، مجله مطالعات علوم اجتماعی، دانشگاه آزاد واحد خلیخال، دوره ۱۲، شماره ۵، بهار ۸۸، صص ۱۲۳-۱۰۰.
- علوی تبار، علیرضا، (۱۳۷۹). بررسی الگوی مشارکت شهروندان در اداره امور شهرها، تجارب جهانی و ایران، جلد اول، تهران: مرکز مطالعات و برنامه‌ریزی شهری.
- فون، جان (الف). (۱۳۸۴)، گفتمانها و نیروهای اجتماعی، نقش فرهنگ و مطالعات فرهنگی در بازشناسی انقلاب‌ها، مجموعه مقالات نظریه‌پردازی انقلابها، ترجمه: فرهنگ ارشاد، تهران: نشر نی.
- فون، جان (ب). (۱۳۸۴)، جامعه‌شناسی تطبیقی-تاریخی انقلابهای اجتماعی کشورهای جهان سوم، مجموعه مقالات نظریه‌پردازی انقلابها، ترجمه: فرهنگ ارشاد، تهران: نشر نی.
- قادرزاده، امید. احمدی، یعقوب. میارغنج، خالد. (۱۳۹۶). جهت‌گیری‌های فرهنگ سیاسی معلمان و عوامل مرتبط با آن، مطالعه موردی شهر بوکان، مطالعات و تحقیقات اجتماعی در ایران، دوره ۶، شماره ۲. تابستان ۹۶. صص ۲۵۶-۲۳۱.
- قیصری، نوراله. شکوری، ابوالفضل. (۱۳۸۱). فرهنگ سیاسی: پژوهشی در ساختار و تحولات نظری یک مفهوم، نامه مفید، دوره ۱۳، شماره ۳۲. آذر و دی ۸۱، صص ۱۵۲-۱۲۰.
- کتابی، محمود. وحید، فریدون. قاسمی، وحید. (۱۳۸۰). گونه‌شناسی فرهنگ سیاسی دانشجویان شاغل به تحصیل در ایران دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه اصفهان، علمی پژوهشی، دوره ۲، شماره ۲۶-۲۷. پاییز و زمستان ۸۰، صص ۱۰۸-۷۷.
- کریمی، علی. رضایی، احمد. (۱۳۸۵). فرهنگ سیاسی مردم مازندران، مطالعات اجتماعی ایران، دوره ۱، شماره ۲. تابستان ۸۵، صص ۶۱-۳۹.

۱۹۹..... بررسی جامعه شناختی رابطه پایگاه اقتصادی ومذهب با فرهنگ سیاسی در

- کوئن، بروس. (۱۳۸۶). میانی جامعه شناسی، (ترجمه غلام رضا توسلی). تهران: نشر سمت.
- گل محمدی، احمد. (۱۳۹۴). درآمدی بر شناخت و سنجش فرهنگ سیاسی، تهران: مرکز چاپ و انتشار دانشگاه علامه طباطبائی.
- هانتینگتون، ساموئل. (۱۳۷۰). سامان سیاسی در جوامع دستخوش دگرگونی، ترجمه محسن ثلاثی، تهران: نشر علم
- لیست، سیمور مارتین. (۱۳۸۳). دایره المعارف دموکراسی، (ترجمه کامران فانی و فریبرز مجیدی). جلد دوم، چاپ دوم، تهران: کتابخانه تخصصی وزارت امور خارجه.
- مولانا، حمید. شکر خدا، یونس. (۱۳۷۱). گذر از نوگرایی، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.

- Almond, Gabriel & Verba, Sidney. (1965), *the Civic Culture; Political Attitudes and Democracy in Five Nations* Boston, p. 15
- Almond, Gabriel. and Verba, Sidney. (1963), *The Civic Culture: Political Attitudes and Democracy in Five Nations*, New Jersey: Princeton University Press.
- Dittmer, Lowell. (1977). *political culture and political symbolism to ward a theoretical synthesis, word polities.*
- Fokuyama, Francis (1995), *Trust: The Social Virtuous and Creation of Prosperity*; New York The Free Press.
- Henderson, Ailas. (2007). *The Regionalization & political Culture*. www.cpsa.acsp.ca.
- Hetherington, Marc. J. (1998). *The Political Relevance of Political Trust*; *American Political Science Review*, Vol.92, No.4.
- Kirbis, Andrej. (2013). *political participation and non-democratic political culture in Western Europe. East-central Europe and post-Yugoslav counties Democracy in Transition.*
- kriekhaus, J. (2004). *The regime debate revisited: A sensitivity analysis of democracys economic effect*, *British Journal of Political Science* 34(4):635-655
- Milbrat, L. W (1977) *Milbrath. political participation*, Rand Mc. Nally college publishing company.
- Tessler, mark. (2011). *what do ordinary citizens in the arabs worlk want: secular democracy or democracy with islam?* university of michigan.

۲۰۰... پژوهش‌های جامعه‌شناختی، سال پانزدهم، شماره دوم، تابستان ۱۴۰۰

Roof, wade. (1993). Toward the year2000: Reconstructions of Religious space, Annals of the Amrican Acodemy.

Tessler·mark. Gao, E. (2009), Democracy and the political Culture Orientations of Ordinary Citizens: A Typology for the Arab World and perhaps Beyond, International Social Science Journal, No.192:197-207

Lipset·Seymour Martin and Jason M. Lakin. (2004)· The Democratic Century·Oklahoma: The University of Oklahoma press. chapter11

Lipset·Seymour Martin. (1960), Garden city, New York: praeger.